

عنوان مقاله:

«براعت استهلال» یا «خوش آغازی»، در رمان های «ارمیا»، «بی وتن»، «ره ش»، «قیدار» و «من او» رضا امیرخانی

محل انتشار:

مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، دوره 14، شماره 52 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسندگان:

سعید فرمانی - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

حسین آذریبوند - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

سعید خیرخواه - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

خلاصه مقاله:

یکی از اصول مهم و سرنوشت ساز در داستان نویسی؛ نحوه ورود نویسنده به داستان است. جایی که اولین برخورد منطقی با اثر شروع می شود و منحنی های ادراکی و احساسی مخاطب در کوتاه ترین زمان برهم منطبق می گردند. انتخاب نقطه آغاز مناسب یا خوش آغازی داستان سابقه ای طولانی در ادبیات داستانی دارد لیکن با وجود تاثیر شگرف آن بر داستان، عناصر سازنده آن و نگاه و توجه خواننده؛ چندان مورد اقبال نبوده و در اکثر موارد حتی جزو عناصر اصلی و مهم داستان محاسبه نمی شود. حساسیت موضوع آنجاست که خواننده، باید در جملات ابتدایی تحت تاثیر داستان و فضای کلی آن قرار بگیرد، با داستان ارتباط برقرار کند و هیجانی در وجود خویش احساس نماید وگرنه ادامه مطلب را نخواهد خواند. «امیرخانی» یکی از نویسندگان موفق سال های اخیر است که با استفاده از شگردهای خاص و شیوه های نو؛ توجه مخاطبان بی شماری را به خود جلب کرده است. پژوهش حاضر؛ «آغاز» داستان، جملات آغازین آن و ساختار کلی «آغاز» در پنج اثر رضا امیرخانی را با روش توصیفی تحلیلی مورد بررسی قرار خواهد داد. نتیجه این پژوهش نشان می-دهد که شروع داستان در رمان های امیرخانی، به عنوان ضرورتی قطعی، توانسته است با القای باورپذیری منطقی، مانند یک قلاب عمل کرده و خواننده را تا پایان داستان به دام بیندازد. ضمن اینکه ارتباط منظم و منطقی شروع داستان با سایر عناصر و روند کلی روایت، کششی زیبا برای خواندن ایجاد کرده، از شکست داستان جلوگیری نموده است.

کلمات کلیدی:

امیرخانی، خوش آغازی، ارمیا، بی وتن، ره ش، قیدار، من او

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1495367>

